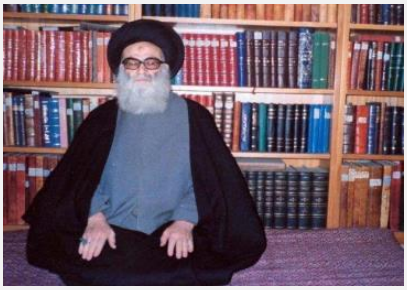

یکشنبه 02 بهمن 1401 - 08:43

درس‌هایی از مبانی عرفان شیعی

فقط برای خدا و راه یافتگان به خدا هدایت به متن حقّ امکان دارد

مراد از هدایت به حقّ در آیات، ایصال به مطلوب است؛ نه به معنی ارائه طریق به‌سوی خدا؛ چون بدیهی است که ارائه طریق از دست هر کس ساخته است.

مراد از هدایت به حقّ در آیات، ایصال به مطلوب است؛ نه به معنی ارائه طریق به سوی خدا؛ چون بدیهی است که ارائه طریق از دست هر کس ساخته است. خبرگزاری مهر - گروه دین و اندیشه: آیت الله سید محمدحسین حسینی طهرانی، فقیه، عارف و از شاگردان علامه طباطبایی بود. آیت الله طهرانی بیشتر با مباحث عرفانی شناخته شده است، اما وی در سال های حضورش در تهران که همزمان با نهضت اسلامی امام خمینی بود، با حمایت کامل از نهضت، به سازماندهی نیروهای مبارز پرداخت. «رسالة لبّ اللباب فی سیر و سلوک اولی الألباب» از آثار ایشان است. مرحوم علامه طهرانی در جلد اول کتاب امام شناسی به بیان لزوم پیروی از حق می پردازد و می گوید امام کسی است که ذاتاً هدایت به حقّ یافته باشد. قال اللّه الحکیم فی کتابه الکریم أ فَمَنْ یَهْدِی إِلَی الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ یُتَّبَعَ أَمَّنْ لا یَهِدِّی إِلَّا أَنْ یُهْدی فَما لَکُمْ کَیْفَ تَحْکُمُونَ اوّل آنکه مراد از حقّ در این آیه شریفه همان معنی حقیقی است، نه معنی حقّی که به نحوی از انحاء، مبنی بر تساهلات عرفیه در السنه مردم رایج است، کما آنکه دیده می شود هدایت به حقّ را به هر کس که تکلّم به حقّ کند نسبت می دهند، گرچه معتقد نباشد، یا معتقد باشد، و عمل نکند، یا عمل کند و لیکن نفسش به آن متحقّق نشده باشد، و چه اینکه ذاتاً اهتداء نیافته باشد، و هدایت او بغیر باشد. اینها هیچ کدام هدایت به حقّ نیست و از باب مسامحات عرفیه بر او هدایت به حقّ گفته می شود، بلکه هدایت به متن حقّ، همان ایصال به متن واقع است و فقط برای خدا و راه یافتگان به خدا، بدون واسطه و تخلّل غیر می باشد. دوّم آنکه مراد از هدایت به حقّ در این آیه ایصال به مطلوب است؛ نه به معنی ارائه طریق به سوی خدا؛ چون بدیهی است که ارائه طریق از دست هر کس ساخته است، چه اینکه امام باشد یا نه، و چه اینکه ذاتاً خود راه یافته باشد، یا هدایت به غیر پیدا کرده باشد، یا آنکه اصلًا هدایت نیافته باشد، و خود گمراه باشد؛ در هر حال هدایت به معنای ارائه طریق از آنها ممکن است، ولی ایصال به متن واقع و حقّ و کمال هر موجود، اختصاص به هدایت شدگان بنفسه و هادیان الی الحق دارد. سوّم مراد از جمله لا یَهِدِّی إِلَّا أَنْ یُهْدی آن است که هدایت به خود نیافته باشد، و این اعمّ است از آنکه اصلًا هدایت نیافته باشد و یا هدایت بالغیر یافته باشد؛ و دلیل بر عمومیت آنست که جمله إِلَّا أَنْ یُهْدی که استثنا از جمله لا یَهْدِی است با «انِ مصدریه» آمده، و این جمله دلالت بر تحقق وقوع ندارد، به خلاف مصدر مضاف. فرق است بین آنکه بگوئیم: اعجبنی ضربک یا آنکه بگوئیم: اعجبنی ان تضرب، در صورت اوّل اعجاب از نفس ضرب متحقّق در خارج است، و در صورت دوّم اعجاب از امکان تحقق ضرب است؛ و بر این مطلب شیخ عبدالقاهر در دلایل الاعجاز تنصیص نموده است. و بنابراین چون جمله إِلَّا أَنْ یُهْدی نمی فهماند این را که فعلًا هدایت به غیر شده است، بلکه می فهماند که گرچه بعداً ممکن باشد هدایت از ناحیه غیر به او برسد؛ و معلوم است که هدایت از ناحیه غیر در صورت قبول هدایت خواهد بود؛ و امّا اگر طبعاً قابل هدایت نباشد هدایت از غیر به او نخواهد رسید. بنابراین جمله لا یَهْدِی به عموم خود باقی بوده و معنایش چنین می شود: که هدایت بنفسه نشده باشد، چه آنکه اصلاً هدایت نیافته باشد یا قابل هدایت بوده و هدایت بالغیر یافته باشد. و بالجمله امام کسی است که ذاتاً هدایت به حقّ یافته باشد، نه هیچ یک از دو دسته دیگر!